

جایگاه حق بر حداقل رفاه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

صابر نیاورانی *

اکبر ایزدی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2018.31888

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۸

چکیده

حفظ شأن و منزلت انسانی ابنای بشر، مستلزم تضمین آزادی‌ها، امتیازها و حقوقی برابر برای افراد و همچنین ایجاد تعهداتی سلبی و ایجابی برای تابعان حقوق بین‌الملل و تأسیس نهادهایی است که ناظر اجرای این حقوق باشند. اما شرط تحقق بسیاری از این حقوق و آزادی‌ها، برخورداری و بهره‌مندی از حق بر حداقل رفاه اجتماعی است. پرسش این است که در حقوق بین‌الملل، چه چیزی به‌عنوان حق بر حداقل رفاه، شناسایی شده و محتوا و عناصر آن چیست و چه نسبتی با سایر حق‌های بشری دارد و ارزش هنجاری قواعد ناظر بر آن‌ها در میان سایر قواعد حقوق بین‌الملل تا چه حد است. گرچه در متون و اسناد حقوقی بین‌المللی به‌صراحت از عبارت حق بر حداقل رفاه اجتماعی سخن به میان نیامده، با مطالعه اسناد حقوق بشری و توجه به دکترین به نظر می‌رسد عناصر این حق، از جمله حق بر غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و تأمین اجتماعی پیش از این در حقوق بین‌الملل شناسایی شده‌اند. به نظر می‌رسد برخی از عناصر سازنده آن، تا حد قواعد آمره بین‌المللی اعتلا پیدا کرده‌اند.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، حق بر حداقل رفاه، رفاه اجتماعی، فقر

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران sabberniavarani@gmail.com

** نویسنده مسئول، دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران akbarizadi7@gmail.com

مقدمه

والا ترین هدف حقوق بشر که در همه اسناد حقوق بشری به آن تصریح شده است، حفظ شأن و منزلت انسانی انبای بشر است. تحقق این مهم در عالم واقع، مستلزم تضمین آزادی‌ها، امتیازها و حقوقی برای افراد و همچنین ایجاد تعهداتی سلبی و ایجابی برای دولت‌ها و تأسیس نهادهایی است که ناظر اجرای حقوق باشند. کرامت انسانی آن‌گاه حفظ می‌شود که انسان از حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی یا میزان حداقلی از رفاه اجتماعی بهره‌مند باشد.

رفاه اجتماعی همواره در طول تاریخ، مورد توجه بوده و با پیدایش و تکامل دولت به شکل امروزی آن، نظریه‌ها و مدل‌های رفاه اجتماعی ظهور و بروز یافته‌اند. بر این اساس، دولت‌های سوسیال، سوسیال دموکرات و لیبرال دموکرات با تکیه بر مبانی فلسفی خود، در صدد تأمین حق بر حداقل رفاه برآمده‌اند و دانشمندان علوم اقتصادی و اجتماعی، هریک به فراخور جامعه و امکانات موجود در آن، این مفهوم را تعریف کرده‌اند. لکن پرسش اصلی این است که آیا در حقوق بین‌الملل، چنین حقی به‌عنوان حق بشری مطرح شده است؟ و اگر مطرح شده، عناصر آن چیست و چه نسبتی با سایر حق‌های بشری دارد.

شاید بتوان گفت با تحقق حق بر «حداقل استانداردهای لازم برای زندگی»^۱، در واقع، حق بر حداقل رفاه اجتماعی نیز تحقق یابد؛ بدین توضیح که دسترسی افراد به غذا، پوشاک، امکانات بهداشتی و مسکن مناسب و همچنین تأمین نیازهای اجتماعی، در واقع به معنی تحقق رفاه اجتماعی یا میزان حداقلی از آن است. مشخص کردن مفهوم رفاه اجتماعی یا میزان حداقلی از آن که مورد پذیرش همگان باشد، چندان آسان نیست ولی شاید بتوان مفهوم حداقل رفاه اجتماعی و اجزای آن را با توجه به اسناد حقوق بشری مشخص کرد.

بر اساس تفسیر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، معیار «حداقل»، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و تا حد زیادی تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اقلیمی، زیست‌محیطی و سایر شرایط تعیین‌کننده آن جامعه است.^۲ گرچه در متون و اسناد حقوق بین‌المللی صراحتاً از حق بر حداقل رفاه اجتماعی سخن به میان نیامده، به نظر می‌رسد بتوان با مراجعه به مفاد اسناد حقوق بشری و همچنین دکتین، موفق به تبیین مفهوم و اجزای سازنده این حق شد که بی‌تردید، تضمین‌کننده کرامت انسانی است. از جمله می‌توان به بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ و ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی

1. Right to an adequate standard of living

2. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 12: *The Right to Adequate Food* (Art. 11 of the Covenant), 12 May 1999, para 7. Available at: <http://www.refworld.org/docid/4538838c11.html> [accessed 1 March 2017].

3. *Universal Declaration of Human Rights* (UDHR), General Assembly Resolution 217A (III), United Nations Doc.A/810 at 71 (1948).

و فرهنگی^۴ اشاره کرد.

این مقاله در صدد شناخت ماهیت و دامنه حق بر حداقل رفاه اجتماعی و ارتباط آن با سایر حق‌های بشری و همچنین بررسی آمریت این حق‌ها است. به نظر می‌رسد برخورداری از این حقوق، پیش‌شرط بهره‌مندی از سایر حقوق بشری است.^۵ لکن لازمه تحقق حق بر حداقل رفاه اجتماعی، گذر از خط فقر و برخورداری از حداقل استانداردهای لازم برای زندگی است^۶ تا حق بر حداقل رفاه اجتماعی به صورت مطلوب تحقق یابد.^۷ افزون بر این، به نظر می‌رسد چهره سلبی تعهدات ناظر بر حق بر بهداشت و غذا، در حد قاعده آمره اعتلا پیدا کرده‌اند.

۱. مفهوم رفاه اجتماعی در ادبیات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی و مفاهیم رقیب

رفاه اجتماعی از مفاهیمی است که بیشتر متعلق به حوزه علوم اقتصادی - اجتماعی است. در این حوزه، چهار برداشت متفاوت ولی تا حدودی مرتبط به هم از اصطلاح مذکور وجود دارد. طبق برداشت نخست، رفاه عبارت از رفاه عمومی ناظر بر بهزیستی اقتصادی است. بر اساس برداشت دوم، رفاه، طیفی از خدمات است که بنا به دلایل خاصی از جمله کودکی، کهنسالی و بیماری به‌منظور حمایت به افراد ارائه می‌شود. وفق برداشت سوم، منظور از این اصطلاح، همیاری‌های مالی است که نسبت به افراد محروم و نیازمند انجام می‌شود. در نهایت، در برداشت چهارم از این اصطلاح، پا فراتر از این گذاشته شده و رفاه اجتماعی را آن حالت یا وضعیتی دانسته‌اند که در آن افراد به بهزیستی و بهروزی دست می‌یابند.^۸

نگرش اقتصادی به مقوله رفاه اجتماعی، گفتمانی صرفاً مادی از مفهوم مورد بحث به دست می‌دهد که برخی نویسندگان و صاحب‌نظران به آن توجه کرده‌اند.^۹ لیکن نمی‌توان رفاه اجتماعی را صرفاً به‌واسطه مؤلفه‌های اقتصادی محقق کرد و افزون بر آن، ضرورت دارد که به منابع جامعه

4. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) (1966), United Nations, Treaty Series, vol. 993, p.3. Entered into force on 3 January 1976.

5. See: Pierre R., Weston, *Human Rights in the World Community: Issues and Action*, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, 2006, pp. 170-232.

6. David Forte, F., *Natural Law and Contemporary Public Policy*, Washington D.C.: Georgetown University Press, 1998, pp. 280-294.

۷. ن.ک: فریبا شایگان؛ «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۶۰.

۸. کامکار، مهدیس؛ «سیاست اجتماعی چیست؟»، نشریه رفاه اجتماعی، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، دوره سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۵.

۹. برای مثال، ن.ک: محمد زاهدی اصل؛ *مبانی رفاه اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶؛ محمدباقر ناصری و محمدکاظم رحیمی‌نژاد؛ *جمعیت و امنیت اجتماعی*، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی و سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۴، صص ۱۸ الی ۲۰؛

مدنی و آموزش و بسیج آنان در جهت تحقق و عملی کردن و عینیت یافتن رفاه اجتماعی توجه کرد که این امر مورد عنایت نظام‌های جدید رفاه اجتماعی قرار گرفته است.^{۱۰}

مقاله حاضر، معنای رفاه اجتماعی را از لحاظ معنای لغوی به شیوه متداول بین نویسندگان علم حقوق در بین آثار مربوطه جستجو خواهد کرد و معنای اصطلاحی آن در علم حقوق و علوم اجتماعی و اقتصادی را مدنظر قرار خواهد داد تا بتواند تعریفی از حق بر حداقل رفاه اجتماعی ارائه کرده و اجزای تشکیل‌دهنده آن را مشخص کند. رفاه اجتماعی، تعبیری معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است.

به نظر می‌رسد واژه Social Welfare^{۱۱} معادل واژه «رفاه اجتماعی» در زبان فارسی است. لفظ Welfare^{۱۲} که معادل لفظ «رفاه» در زبان فارسی است، اشاره به حالتی از سلامت، شادی، سعادت و بهروزی است که به‌ویژه از طریق تأمین نیازهای مادی زندگی به‌صورت نقدی یا غیرنقدی از قبیل غذا و سایر مایحتاج ضروری که به نیازمندان ارائه می‌شود، محقق می‌شود.^{۱۳}

این کلمه ابتدا به‌صورت مصدر to well fare به‌کار می‌رفته؛ که به‌معنای خوب‌بودن و خوش‌گذراندن بوده است. Social نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که افراد در زندگی جمعی با آن روبه‌رو هستند. در مجموع به نظر می‌رسد این مفهوم به معنای حالتی از مناسب‌بودن وضعیت زیست فرد در اجتماع است.^{۱۴}

رفاه اجتماعی از نظر برخی از دایره‌المعارف‌های مشهور به معنی خدماتی است که هدف اولیه آن‌ها تثبیت و تقویت شرایط جسمی، اجتماعی و روانی افراد است.^{۱۵} برخی از صاحب‌نظران حوزه لغت‌شناسی نیز بدون ارائه مفهوم روشن از رفاه اجتماعی به برشمردن مقدمات یا ابزارهای دستیابی به آن پرداخته‌اند و در این راستا به ابزارهایی از قبیل مددکاری اجتماعی و کمک‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند.^{۱۶} برخی دیگر از صاحب‌نظران، رفاه اجتماعی، سطح بهزیستی و رفاه در یک جامعه و میزان برخورداری افراد جامعه از امکانات مادی و معنوی موجود در آن جامعه را

۱۰. قاسمی، وحید، زهرا طاهری و مرضیه مهربانی؛ «تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۳.

11. Webster Dictionary defines "Social Welfare" as organized public or private social services for the assistance of disadvantaged groups.

22. Webster Dictionary defines "Welfare" as the state of being happy, healthy, or successful.

۱۳. میجلی، جیمز؛ رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه: محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۸، ص ۴.

۱۴. همان.

55. Americana Corp., *Encyclopedia Americana International Edition*, 1975, v. 25, USA.

66. Encyclopedia Britannica Inc., *The New Encyclopedia Britannica*, 1994, v. 27, USA.

معرف سطح رفاه مردم آن جامعه دانسته‌اند.^{۱۷}

با توجه به تعاریف مذکور از رفاه اجتماعی شاید بتوان بر این ادعا بود که نمی‌توان تعریف واحدی از این مفهوم به دست داد ولی به نظر می‌رسد، حالتی است که در آن نیازهای اساسی تمامی افراد یک جامعه، از جمله غذا و مسکن تأمین شده باشد و افراد بتوانند بدون نگرانی از تأمین آن‌ها به زندگی خود در جامعه ادامه دهند.^{۱۸} نباید از نظر دور داشت که مرور ادبیات مربوطه، مفید این معنی نیز هست که لفظ «حداقل رفاه اجتماعی» در زبان فارسی تقریباً معادل با عبارت «حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی»^{۱۹} در معنی مورد نظر اسناد حقوق بشری است.

۱-۱. معنای رفاه اجتماعی و حق بر حداقل رفاه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

بین اجزای حق بر حداقل رفاه و اجزای حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. به عبارت دیگر، عناصر حق بر حداقل رفاه در واقع، جزو همان حق‌های بشری هستند که در مجموع به‌عنوان «حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی» شناخته می‌شوند. بنابراین، برای شناخت حق بر حداقل رفاه اجتماعی، از مفهوم حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی استفاده می‌شود.

الف. معنای «رفاه اجتماعی» در نظام بین‌المللی حقوق بشر

در نگرشی صرفاً مادی به مقوله رفاه اجتماعی، برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی به معنی زندگی در بالاتر از خط فقر است. به عقیده برخی، تحقق این وضعیت، مستلزم جمع دو عنصر است. نخست آنکه فرد از توانایی مالی لازم جهت تأمین هزینه تهیه غذا و سایر نیازهای اساسی اولیه لازم جهت زندگی و ادامه حیات برخوردار شود و دوم آنکه بتواند از عهده هزینه‌های لازم جهت مشارکت در فعالیت‌های روزانه جامعه برآید.^{۲۰} از سوی دیگر، بر اساس تفسیر شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وصف «حداقل» یا کافی به معنی این نیست که فرد بتواند به‌صورت گسترده از استانداردها و ضوابط پیش‌گفته برخوردار شود چرا که وصف «حداقل»، مفهومی نسبی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و تحت تأثیر عوامل

۱۷. مزیدی، سیاوش؛ فرهنگ بیمه‌های اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، مدخل رفاه اجتماعی.

۱۸. جهت توضیحات بیشتر، ن. ک: فرشید یزدانی؛ «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، مجله رفاه اجتماعی، دوره سوم، شماره ۱۰، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، زمستان ۱۳۸۲، صص ۵۴-۳۱.

99. *Ibid* 1.

100. Houghton, J., & Khandker, S., *Handbook on Poverty & Inequality*, Washington DC: World Bank, 2009, pp. 39-64.

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره تعیین می‌شود.^{۲۱}

ب. مفهوم «حق بر حداقل رفاه اجتماعی» در نظام بین‌المللی حقوق بشر

با عنایت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌توان گفت از نظر حقوقی، حق بر حداقل رفاه اجتماعی عبارت است از امتیازاتی که به موجب قوانین یا اسناد بین‌المللی برای فرد تضمین شده است تا به واسطه آن بتواند بدون لطمه به کرامت انسانی، توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را داشته و در زیست جمعی جامعه خود، مشارکت داشته باشد و به راحتی بتواند به‌عنوان شهروند عادی مورد توجه جامعه قرار گیرد، به نحوی که محرومیت از امتیازات مزبور، منجر به گریز فرد از اجتماع نشود.

حق بر حداقل رفاه اجتماعی از نظر حقوقی، زمانی محقق می‌شود که فرد فرد جامعه قادر باشند به مقدار نیاز و کفایت، به غذا، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، پوشاک و تأمین‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند، بدون آنکه در راستای استیفای این حق، با مانع مواجه شده یا متوسل به تکدی‌گری یا سایر روش‌هایی شوند که کرامت آنان را زیر سؤال برده و موجبات شرمساری فرد را در جامعه فراهم کند. بر این اساس، حداقل رفاه اجتماعی، حالت یا وضعیتی است که با تحقق آن، نیازهای اساسی افراد در جامعه تأمین شود. البته جهت ارائه چهره‌ای مطلوب‌تر از مفهوم مذکور، در ادامه به بحث در مورد اجزای حق پرداخته می‌شود تا بدین‌سان، حق مذکور تا آنجا که در حوصله مقاله حاضر می‌گنجد، تعریف و تبیین شود.

۱-۲. مفهوم رفاه اجتماعی در علوم اقتصادی و اجتماعی

رفاه اجتماعی از نظر علوم اجتماعی و اقتصادی به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی گفته می‌شود که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم، احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد.^{۲۲} البته باید یادآور شد که تعریف همگانی از رفاه اجتماعی ارائه نشده است و صاحب‌نظران این حوزه به هنگام تعریف مفهوم مورد بحث، صرفاً به یکی از جنبه‌های آن توجه داشته‌اند.^{۲۳}

11. CESCR, 1999, *General Comment No. 12: The Right to Adequate Food* (Art. 11 of the Covenant), 12 May 1999, para 7.

۲۲. ابراهیمی، مهدی؛ «نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران (با تمرکز بر مقالات علمی - پژوهشی در دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰)»، فصلنامه *تأمین اجتماعی*، سال سیزدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۴، ص ۹.

۲۳. برای مثال، ن.ک: جعفر هزارجریبی و رضا صفری شمالی؛ *آناتومی رفاه اجتماعی*، جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۶؛ نورمن باری؛ *رفاه اجتماعی*، ترجمه: اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱؛ غلامرضا غفاری و رضا امیدی؛ *کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی*، شیراز، ۱۳۸۸، صص ۱۵۳-۱۵۲.

سیر تاریخی نظریه‌های اقتصادی، مسیری پر فراز و نشیب از شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه اقتصادی را در بردارد. شاخص اولیه، با اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی شروع شده و در سال‌های اخیر به شاخص‌های عینی و ذهنی رضایت‌مندی رسیده‌اند. رفاه اقتصادی بر اساس «شاخص کیفیت زندگی»^{۲۴} و «شاخص‌های توسعه انسانی»^{۲۵} ارزیابی می‌شود. در الگوی دوم یعنی الگوی مبتنی بر شاخص‌های توسعه انسانی، شاخص‌هایی همچون آموزش، تحصیلات و میانگین طول عمر، که هم‌تراز با تولید ناخالص ملی هستند مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۲۶} باید توجه داشت رفاه، مفهومی چندبعدی است که خصوصاً به عواملی نظیر وضعیت اجتماعی، امنیت، سلامت، آموزش و روابط میان شهروندان و نهادهای اجتماعی وابسته است. همچنین توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی ضروری است.^{۲۷} خلاصه اینکه، برای سنجش میزان رفاه اقتصادی، نوع مسکن، تأمین نیازهای اولیه، مناسب‌بودن منطقه سکونت و وضعیت فعالیت یا مشاغل شهروندان می‌تواند مؤثر واقع شود.^{۲۸}

۲. اجزای حق بر حداقل رفاه اجتماعی و نسبت آن با سایر حق‌های بشری

همان‌طور که گفته شد، رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، مهم‌ترین اهداف آن است. رفاه اجتماعی از حیث عملیاتی به منزله تدوین راهکارهای عملی و تعبیه قواعد و سازکارهایی است که بهره‌مندی از حداقل‌های زندگی با کرامت را برای انسان تأمین می‌کند.

بر اساس بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، سلامتی افراد و خانواده آن‌ها باید تأمین شود. این امر به نوبه خود مستلزم برخورداری افراد از شرایط و استانداردهای حداقلی و لازم جهت تحقق رفاه و سلامت است. بر اساس این مقرر، برخی از عناصر این حق یا به عبارت دیگر، حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی عبارت‌اند از حق بر: غذا، لباس، مسکن،

44. Quality of life index

55. Human development index

۲۶. شهرام‌نیا، سید امیرمسعود و همکاران؛ «بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی (مطالعه موردی دانشجویان، کارمندان و استادان دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۷۰-۱۶۹.

77. Joseph E. Stiglitz, *Report of the Commission of Experts of the President of the United Nations General Assembly on Reforms of the International Monetary and Financial System*, 2009. Available at: http://www.un.org/ga/econcrisissummit/docs/FinalReport_CoE.pdf

۲۸. شهرام‌نیا و همکاران؛ همان، ص ۱۷۰.

مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم.^{۲۹}

از سوی دیگر، بر اساس ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هرکس حق زندگی با برخورداری از حداقل استانداردهای لازم برای زندگی برای خود و خانواده‌اش را دارد. کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، طی تفاسیر عمومی ناظر بر این حق، عناصر مهم حق مزبور را مشخص کرده است. بر اساس تفاسیر عمومی صادره از کمیته، حق بر مسکن مناسب،^{۳۰} حق دسترسی به غذا،^{۳۱} حق دسترسی به آب^{۳۲} و همچنین حق بر تأمین اجتماعی^{۳۳} به‌عنوان عناصر و اجزای سازنده حق بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی شناخته شده است. کمیته ضمن شناسایی حق‌های مزبور به‌عنوان اجزای سازنده حق، بر حداقل استانداردهای لازم برای زندگی، طی تفاسیر عمومی خود، اقدام به توضیح این حق و معیارها و ضوابط لازم برای تحقق این عناصر کرده است. لیکن باید توجه داشت که از نظر نوشتار حاضر، حق بر حداقل رفاه اجتماعی، مرکب از حق بر غذا، حق بر بهداشت و سلامتی، حق بر پوشاک، حق بر تأمین اجتماعی و حق بر مسکن است و از این رو به محتوای این حقوق بشری به‌عنوان اجزای سازنده حق بر حداقل رفاه اجتماعی پرداخته خواهد شد.

۲-۱. حق بر غذا: نسبت میان حق بر غذا و سایر حق‌های بشری

الف. مفهوم و دامنه حق بر غذا

حق بر غذا^{۳۴} به‌عنوان حقی بشری، از حقوقی است که نخستین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بعد از آن در ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار

99. Article 25 of UDHR provides that: "(1) Everyone has the right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself and of his family, including food, clothing, housing and medical care and necessary social services, and the right to security in the event of unemployment, sickness, disability, widowhood, old age or other lack of livelihood in circumstances beyond his control.

(2) Motherhood and childhood are entitled to special care and assistance. All children, whether born in or out of wedlock, shall enjoy the same social protection".

00. CESCR, *General Comment No. 4: The Right to Adequate Housing* (Art. 11 (1) of the Covenant), 13 December 1991, E/1992/23, para 1. Available at: <http://www.refworld.org/docid/47a7079a1.html>.

11. CESCR, *General Comment No. 12: The Right to Adequate Food* (Art. 11 of the Covenant), 12 May 1999, para, 1.

22. CESCR, *General Comment No. 15: The Right to Water* (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003, E/C.12/2002/11, para 3. Available at: <http://www.refworld.org/docid/4538838d11.html>. [Accessed 28 February 2017].

33. CESCR, *General Comment No. 19: The right to social security* (Art. 9 of the Covenant), 4 February 2008, E/C.12/GC/19, para 22. Available at: <http://www.refworld.org/docid/47b17b5b39c.html>. [Accessed 28 February 2017].

۳۴. در خصوص تعریف حق بر غذا در اسناد حقوق بشری، ن.ک: حسین فروغی‌نیا و همکاران؛ «ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال سوم، شماره ۷، پاییز - زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۵-۱۳۳.

گرفته است. ولی اهمیت این حق به‌عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده حق بر حداقل رفاه اجتماعی و پیش‌شرط تحقق و استیفای سایر حقوق بشری^{۳۵} به‌قدری بوده است که سایر اسناد بین‌المللی نیز بدان پرداخته‌اند. علاوه بر این، حق بر غذا، موضوع اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی بوده است^{۳۶} که حاکی از اهمیت آن برای جامعه بین‌المللی است.^{۳۷} شایان ذکر است که در این مقاله، حق بر غذا به‌صورت کلی و به‌صورت عنصری از عناصر سازنده حق بر حداقل رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده و از پرداختن به حق بر غذا در وضعیت‌های خاص، اجتناب شده است.^{۳۸}

حق بر غذا در این مفهوم، متشکل از اجزایی است که کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را احصا کرده است. اجزای این حق از نظر کمیته، شامل الف) دسترسی به غذا؛ ب) ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان؛ ج) قابلیت دسترسی اقتصادی و فیزیکی؛ و د) قابل استفاده و سالم بودن می‌شود.^{۳۹} افزون بر این، حق بر غذا را می‌توان از منظر دیگری دارای دو جزء دانست که عبارت‌اند از حق امنیت غذایی و حق رهایی از گرسنگی.^{۴۰} در ادامه به شرح و توضیح عناصر و اجرای حق بر غذا پرداخته می‌شود.

حق بر غذا در این معنی، و همچنین توجه به اجزا و عناصر این حق، کاشف از آن است که تحقق اجزای حق مورد بحث، در واقع متضمن این واقعیت خواهد بود که افراد دیگر، دغدغه و نگرانی تهیه و تأمین غذا را نخواهند داشت و بدین‌سان از یکی از حداقل استانداردهای لازم جهت ادامه حیات باکرامت در جامعه برخوردار خواهند بود.

۳۵. ن.ک: علی‌رضا ابراهیم‌گل؛ «حق بر غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۳۹، پاییز - زمستان ۱۳۸۷.

۳۶. ن.ک: باقر میرعباسی و چنگیز اسفندیاری؛ «بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق پزشکی - سال نهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۴.

77. See *inter alia*: Convention on the Rights of the Child; The Additional Protocol to the Geneva Conventions, and Relating to the Protection of Victims of International and Non-International Armed Conflicts; The Rome Declaration on World Food Security (1996); The Plan of Action of the World Food Summit (1996); The Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflicts (1974) The World Employment Conference (1976); The World Food Programme (1977); The Declaration of Principles of the World Conference on Agrarian Reform and Rural Development (1979); The Codex Alimentarius Commission of the Code of Ethics for International Trade (1979); The International Conference on Nutrition (ICN) World Declaration on Nutrition (1992).

۳۸. در خصوص حق بر غذا در مخاصمات، به‌عنوان مصداقی از مصادیق وضعیتی خاص، ن.ک: باقر میرعباسی و چنگیز اسفندیاری؛ «حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۳.

99. CESCR, *General Comment No. 12: The Right to Adequate Food* (Art. 11 of the Covenant), 12 May 1999, paras. 8-13.

100. Kent, G., *Global Obligations for the Right to Food*, USA: Rowman & Littlefield publishers, 2008, pp. 51-53.

(۱) حق بر غذای سالم، کامل و بهداشتی

«فراهم‌بودن غذا»^{۴۱} و کامل‌بودن آن به این معنی است که افراد به لحاظ کمی و کیفی به مقدار کافی غذای مغذی دسترسی داشته باشند. نیاز به تغذیه، زمانی برآورده می‌شود که رژیم غذایی فرد، شامل ترکیبی از مواد مغذی جهت رشد جسمی و روانی، توسعه و بقا و انجام فعالیت‌های بدنی بوده و در انطباق با نیازهای فیزیولوژیکی انسان در تمام مراحل چرخه زندگی با توجه به جنسیت و شغل فرد باشد. بنابراین، تدابیری که بدین منظور انجام می‌شود باید در جهت حفظ، انطباق یا تقویت تنوع رژیم غذایی، مصرف مناسب و الگوی تغذیه، از جمله تغذیه با شیر مادر باشد. در عین حال باید مراقب بود که تلاش‌ها به منظور فراهم‌آوردن منابع مواد غذایی، تأثیر منفی بر ترکیب و مصرف غذا نداشته باشد.^{۴۲}

«سالم‌بودن غذا»^{۴۳} به این معنی است که مواد غذایی باید عاری از هر نوع مواد نامطلوب و ناسالم باشد. دولت‌ها باید به واسطه دستگاه‌های عمومی و خصوصی، طیف وسیعی از اقدامات مراقبتی جهت جلوگیری از آلودگی مواد غذایی را اتخاذ کنند؛ بدین توضیح که باید مراقب باشند که مواد غذایی منطبق با استانداردهای لازم باشد و شرایط زیست‌محیطی یا سایر عوامل، تأثیر نامطلوبی در تهیه مواد غذایی در هیچ کجای زنجیره تهیه این مواد نداشته باشد. مراقبت در فرایند تولید مواد غذایی به اینجا ختم نمی‌شود بلکه باید مراقبت‌های لازم برای زدودن سموم و عوارض طبیعی نیز از مواد غذایی اعمال شود.^{۴۴}

(۲) حق بر دسترسی به غذا و قابل‌پذیرش بودن آن

«دسترسی»^{۴۵} به معنی در دسترس بودن، شامل دسترسی اقتصادی و فیزیکی است. دسترسی اقتصادی به این معنی است که فرد بتواند از آن چنان درآمدی برخوردار باشد که به راحتی غذای خود را تهیه کند، بی‌آنکه در رفع سایر نیازهای اساسی خود با مشکل مواجه شود؛ بدین توضیح که افراد مجبور نباشند برای تهیه غذا، از سایر نیازهای اساسی خود صرف‌نظر کنند. به عبارت دیگر، درآمد فرد باید در سطحی باشد که بتواند علاوه بر غذا، سایر نیازهای اساسی وی را نیز پوشش دهد. دسترسی فیزیکی بدین معناست که تمامی اشخاص از جمله اشخاص آسیب‌پذیر، مانند کودکان، سالمندان و معلولان و بیماران جسمی و ذهنی، به غذای کافی دسترسی داشته

11. Availability of food

22. See *inter alia*: FAO, *Methods to Monitor the Human Right to Adequate Food*, vol. 2, 2008, pp. 5-7; See also: Mukherjee, A., *Hunger: Theory, Perspectives and Reality: Analysis Through Participatory Methods*, vol. 3, UK, Ashgate, 2002.

33. Food safety

44. Bevilacqua, D., *Introduction to Global Food-Safety Law and Regulation*, Netherlands: Europa Law Publishing, 2015.

55. Accessibility

باشند و بتوانند از آن استفاده کنند.^{۴۶}

«قابل پذیرش»^{۴۷} بودن غذا بدین معنی است که غذا باید از نظر فرهنگی نیز در جامعه قابل پذیرش باشد. قابلیت پذیرش غذا از نظر فرهنگی یا از نظر مصرف‌کننده، متضمن این معنی است که این دو نکته باید به‌عنوان نیاز، مدنظر قرار داده شود و مصرف‌کننده نسبت به کیفیت غذا در این خصوص آگاه شود.^{۴۸}

ب. نسبت میان حق بر غذا و سایر حق‌های بشری

طبق اعلامیه اجلاس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار شد، تمامی مصادیق حقوق بشر جهانی، غیرقابل تفکیک، مرتبط و وابسته به هم هستند.^{۴۹} به دیگر سخن، اغلب مصادیق حقوق بشر، دارای ابعاد مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و این امر ایجاب می‌کند که به هنگام بررسی و مطالعه هر یک از مصادیق حقوق بشر، نگاهی کلی به آن مصادیق بشود و به‌صورت انتزاعی مطالعه نشود بلکه به سایر مصادیق حق‌های بشری نیز نیم‌نگاهی صورت گیرد.

از سوی دیگر، تحقق حق بر غذا مستلزم اتخاذ اقداماتی به‌منظور حصول اطمینان از برخورداری افراد از سایر حقوق، مانند حق بر سلامت، آموزش، کار و تأمین اجتماعی است. همچنین شناسایی حق بر غذا بر این پیش‌فرض استوار است که سایر حقوق وابسته، مانند حق بر اطلاعات و حق مالکیت، شناسایی شده‌اند. از سوی دیگر، تحقق حق بر غذا، بر تحقق حقوقی از قبیل حق بر آزادی و حق بر تعیین سرنوشت، آزادی عقاید و آزادی اجتماعات مبتنی است.^{۵۰}

(۱) نسبت میان حق بر غذا و حق حیات

در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی، به حق حیات به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشری اشاره شده است.^{۵۱} در صورت فراهم‌نبودن غذای کافی، سایر حق‌های بشری و آزادی‌های اساسی معنا

66. See: Söllner, Sven, "The "Breakthrough" of the Right to Food: The Meaning of General Comment No. 12 and the Voluntary Guidelines for the Interpretation of the Human Right to Food", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, vol. 11, Netherland: Koninklijk, 2007, pp. 400-401.

77. Acceptability

88. Hospes, H. and Hadiprayitno, I., *Governing Food Security: Law, Politics and the Right to Food*, Netherland: Wageningen Academic Publishers, 2010, pp. 92-94.

99. UN General Assembly, *Vienna Declaration and Programme of Action*, 12 July 1993, A/CONF.157/23, Available at: <http://www.refworld.org/docid/3ae6b39ec.html>. [accessed 28 June 2017].

100. Wenche, B., *Food and Human Rights in Development: Legal and Institutional Dimensions and Selected Topics*, UK: Hart Publishing, vol. 1, 2005, pp. 141-142.

۵۱. در خصوص حق حیات، ن.ک: سیدمحمد قاری سیدفاطمی؛ «حق حیات»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۲-۳۱، پاییز - زمستان ۱۳۷۹.

و اهمیت خود را از دست می‌دهند. خلاصه اینکه، در صورت محقق نشدن اساسی‌ترین بُعد از ابعاد حق بر غذا یعنی رهایی از گرسنگی، دیگر حق حیات هم محقق نخواهد شد که در عمده اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته شده است.^{۵۲}

افرون بر این، در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه رم نیز به موضوع حق بر غذا اشاره شده است. بر اساس ماده ۶ این اساسنامه، قراردادان عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن گروه شود، مصداق نسل‌کشی است. وفق ماده ۷ اساسنامه، عمل ریشه‌کنی یعنی برنامه‌ریزی برای تحمیل عمدی وضعیتی خاص از زندگی، از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا به منظور معدوم کردن بخشی از جمعیت یک گروه، به‌عنوان یکی از اعمال منجر به تحقق جنایت علیه بشریت تلقی شده است. در ماده ۸ نیز تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است جنایت جنگی شناخته شده است.

تفسیر موسع از حق حیات، منطبق با این اصل است که معاهدات حقوق بشری، اسنادی پویا هستند که در گذر زمان باید به نحوی تفسیر شوند که منجر به افزایش سطح کیفی زندگی انبانی بشر شوند.^{۵۳} به نظر می‌رسد مراجع بین‌المللی نیز چنین رویکردی را اتخاذ کرده‌اند. به‌طور مثال، دیوان امریکایی حقوق بشر با در نظر داشتن این امر اعلام کرد که یکی از تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق بشر، فراهم نمودن حداقل امکانات لازم برای زندگی است که منجر به حفظ و اعتلای کرامت انسانی می‌شود.^{۵۴} دیوان مذکور این نکته را احراز و اعلام کرد که هر نوع خدشه به حق بر غذا یا آب آشامیدنی در واقع متضمن نقض یا انکار حق بر زندگی در رفاه حداقلی است.^{۵۵}

۲) حق بر غذا ضامن حق بر بهداشت و سلامتی

حق بر بهداشت و سلامتی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه نگارندگان این سند حقوق بشری قرار گرفته است و به معنای حق هر شخص بر بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جسمی و روحی کامل است که با حق بر غذا رابطه‌ای نزدیک دارد.

از یک سو شخص برای تأمین و حفظ سلامت خویش نیازمند غذای کافی است و از سوی دیگر، شخص بیمار قادر نیست که حق بر غذا را به‌درستی و کامل استیفا کند. از این جهت، حق

22. Wenche, B., *op. cit.*, p. 141.

33. IACtHR, 1999, Advisory Opinion OC-16/99, Ser. A., No. 16, para. 114; IACtHR, 1999, "Street Children" (*Villagrán-Morales et al.*) v. *Guatemala*, Ser. C., No. 63, para. 193; IACtHR, 2001, *Mayagna (Sumo) Awas Tingni Community v. Nicaragua*, Ser. C., No. 79, para. 146.

44. IACtHR, 2005, *Yakye Axa Indigenous Community v. Paraguay*, Ser. C., No. 125, para. 162.

55. *Ibid.*

بر بهداشت و سلامتی، پیش‌شرط تحقق حق بر غذاست، همچنان که سوء‌تغذیه، بر توانایی شخص بر کار و در نتیجه، دسترسی او به منابع غذایی کافی تأثیر می‌گذارد؛^{۵۶} بدین معنی که امروزه این دیدگاه به وجود آمده است که سوء‌تغذیه یا تغذیه نامناسب می‌تواند تمامی زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. سوء‌تغذیه در نوزادان و کودکان، منجر به عدم رشد و آسیب مغزی می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به بیماری‌های ناشی از سوء‌تغذیه در مراحل بعدی زندگی فرد شود و توانایی وی را در کار، تحت تأثیر قرار دهد و بدین‌سان موجب بروز فقر شود.^{۵۷}

شود.^{۵۷}

۳) نسبت میان حق بر غذا و حق بر آموزش

حق بر آموزش، به شکل‌گیری کامل شخصیت انسانی و احساس کرامت او معطوف است و به‌خودی‌خود، یک هنجار اساسی حقوق بشری و ابزاری لاینفک برای تحقق سایر حقوق بشری از جمله حق بر غذا محسوب می‌شود. آموزش، کودکان را قادر می‌سازد که دانش و مهارت، اعتمادبه‌نفس و توانایی انجام کار را در خویش پرورش دهند و این‌گونه به مشاغل با درآمد بهتر و زندگی با رفاه بیشتر دست یابند. همچنین آموزش با اشاعه اصول تغذیه مطلوب و دانش علمی و فنی در این زمینه، غذای سالم‌تر و کیفیت تغذیه‌ای بهتری را در اختیار اشخاص قرار می‌دهد. آموزش همچنین مقوم حکومت قانون و دموکراسی است که خود از عوامل مهم در امنیت غذایی است. از سوی دیگر، تغذیه مطلوب برای شکل‌گیری ظرفیت‌های کامل انسانی ضروری است و لذا ارائه آموزش اجباری و رایگان برای کودکانی که از سوء‌تغذیه رنج می‌برند، هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.^{۵۸}

۴) حق بر غذا در قامت قاعده آمره بین‌المللی

حق بر غذا به دلیل برخورداری از ماهیتی خاص، به‌راحتی قابل پیوند با حق بر حیات و حتی منع شکنجه است که به‌عنوان قواعد آمره حقوق بین‌الملل شناسایی شده است. تعهد ایجابی دولت‌ها در این مورد، ایجاد سازکارهای سیاسی، اجتماعی و اداری است که امکان تدارک و توزیع غذا برای همگان را فراهم آورد که به‌موجب ماده دوم میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماهیتاً تعهد به وسیله است. اما در مقابل، اگر محرومیت غذایی منجر به نقض حق حیات یا ارتکاب شکنجه شود، می‌توان این نحوه نقض حق بر غذا را نقض قواعد آمره‌ای دانست که به تبع قاعده آمره دیگر، خصوصیت و ویژگی آمره پیدا کرده است. مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه رم را

۵۶. ابراهیم گل؛ همان، صص ۲۴۳-۲۴۱.

77. Wenche, B., *op. cit.*, p. 145.

88. Wenche, B., *op. cit.*, p. 147.

می‌توان گواهی بر صحت این ادعا دانست. به‌گرسنگی‌کشاندن، ممانعت از دستیابی زندانیان یا یک گروه قومی و نژادی به غذا و آب در هنگام مخاصمات مسلحانه، به‌طور قطع، جنایت بین‌المللی شناخته شده است. بدین ترتیب، آنجا که تعهد دولت‌ها در خصوص حق بر غذا ایجاد می‌کند، سخن از آمریت آن، قدری دشوار به نظر می‌رسد اما در جایی که این تعهد، چهره‌ای سلبی پیدا می‌کند، می‌توان قائل به آمریت آن شد.

۲-۲. حق بر بهداشت و سلامتی: شالوده‌محوری حق‌های اساسی نسل اول و دوم الف. مفهوم حق بر بهداشت و سلامتی

سلامتی، بهداشت و درمان به‌عنوان بنیادی‌ترین حق بشری،^{۵۹} اولین بار در منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفت و الزاماتی را برای دولت‌ها در جهت فراهم‌کردن بهداشت و سلامت در جامعه ایجاد کرد. اساسنامه سازمان بهداشت جهانی نیز به این موضوع پرداخته و تعریفی از سلامت ارائه می‌دهد. علاوه بر این، حق مذکور در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد، اعم از خاص و عام و همچنین اعلامیه‌های مختلف به رسمیت شناخته شده است.^{۶۰} ازجمله اسناد بین‌المللی که تأکید زیادی بر مسئله بهداشت و سلامت داشته است، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز اعلامیه هزاره سوم توسعه است.

بدون شک، مراقبت‌های بهداشتی اولیه و ضروری و دراختیارداشتن این امکانات، عنصری مهم در تحقق حق بر سلامتی هستند و هرگاه از سلامتی صحبت می‌شود، اولین و ابتدایی‌ترین مفهومی که از آن به ذهن متبادر می‌شود، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و مراکز بهداشتی و درمانی است.^{۶۱} اما در کنار آن‌ها عناصر دیگری نیز وجود دارند که در راه نیل به حصول کامل حق بر عالی‌ترین استاندارد سلامتی جسم و روان، اهمیتی مضاعف دارند که کمیته حقوق

99. See: CESCR, *The Nature of States Parties' Obligations* (Article 2, para. 1), *General Comment 3*, 14/12/90, UN Doc. E/1991/23, Annex III, UN ESCOR, Supp. (No. 3), Available at United Nations Human Rights Website, Treaty Bodies Database, Document, General Comment; *Constitution of the World Health Organization*, 14 U.N.T.S. 186, 22 July 1946 (entered into force 7 April 1948), reprinted in *Basic Documents of the WHO* (32nd ed. Geneva, 1981).

۶۰. اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی؛ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ کنوانسیون حقوق معلولان، مصوب ۲۰۰۶؛ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان، مصوب قطعنامه شماره ۱۵۸/۴۵ مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰؛ منشور اجتماعی اروپا؛ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک؛ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر؛ کنوانسیون حقوق بشر و زیست‌پزشکی شورای اروپا.

۶۱. شجاع، جواد؛ «تحقیق و توسعه فناوری نانو از نگاه حق بر سلامتی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال هفتم، پاییز - زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۴، ص ۷۴.

اقتصادی اجتماعی از آن‌ها تحت عنوان «بنیادهای تعیین‌کننده سلامتی» یاد می‌کند.^{۶۲} از آن جمله می‌توان به غذای کافی و مقوی، محیط‌زیست سالم و پاک، آب آشامیدنی بهداشتی^{۶۳} و سالم، محیط کاری ایمن و دسترسی به داروهای اساسی اشاره کرد.^{۶۴}

حق بر سلامت نیز به‌عنوان یکی از عناصر سازنده حق بر حداقل رفاه اجتماعی و یکی از حقوق بنیادی بشر، متشکل از اجزایی است که توجه به آن، موجبات درک بهتر از این حق را فراهم خواهد کرد. حق بر سلامت، دارای دو چهره است. نخست، حق هر فرد بر سلامتی خود، بدون دخالت سایرین و دوم، حق دریافت خدمات مورد نیاز برای درمان بیماری.^{۶۵} به دیگر سخن، از نظر کمیته، حق بر سلامتی دارای دو عنصر کلی آزادی‌ها و استحقاق‌ها است؛ بدین توضیح که حق بر سلامتی، متشکل از دو بُعد کلی سلبی و ایجابی است و حوزه‌ای از اختیار عمل، فارغ از مداخله، برای فرد در زمینه جسم و جان او ترسیم می‌کند. این آزادی‌ها شامل حق شخص بر کنترل سلامتی و جسم خود و تولید مثل و حق بر مصون‌بودن از مداخله، نظیر حق مصون‌بودن از شکنجه، درمان و آزمایش پزشکی بدون رضایت می‌شود، ولی در بُعد دوم، بهره‌مندی از فرصت برخوردار از استانداردهای سلامتی است.^{۶۶}

تا اینجا به چهره سلبی و ایجابی حق بر سلامت اشاره شد ولی باید عنوان کرد که جهت استیفای این حق باید امکانات مربوط به آن، نخست فراهم،^{۶۷} دوم در دسترس،^{۶۸} سوم قابل‌پذیرش،^{۶۹} و چهارم دارای کیفیت مطلوب^{۷۰} باشند.^{۷۱} البته نباید از این نکته نیز غافل ماند که باید قابلیت دادخواهی این حق، با توجه به هر دو چهره آن مورد توجه قرار گیرد، چرا که از ابتدای تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چالش‌هایی در مورد قابلیت دادخواهی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق بر سلامت، یکی از مهم‌ترین اجزای آن و عنصری اساسی در تأمین

22. CESCR, *General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant)*, 11 August 2000, E/C.12/2000/4, para 4, available at: <http://www.refworld.org/docid/4538838d0.html> [accessed 28 June 2017].

۶۳. در خصوص حق بر آب آشامیدنی سالم ن.ک: مهرزاد صفاری‌نیا؛ حق بر آب آشامیدنی سالم در حقوق بین‌الملل بشر، مجد، ۱۳۹۴.

۶۴. جهت توضیحات تکمیلی در این خصوص، ن.ک: احسان جاوید و صابر نیورانی؛ «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره پانزدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۳.

55. CESCR, *General Comment, No. 14, op. cit.*, paras. 4-5.

۶۵. حبیبی مجنده، محمد؛ «حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، *دوفصلنامه حقوق بشر*، سال دوم، شماره ۱، شماره ۳، پیاپی، بهار - تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۷-۱۶.

77. Availability

88. Accessibility

99. Acceptability

00. Quality

11. See: CESCR, *General Comment No. 14, op. cit.*, para 12.

و تحقق حق بر حداقل رفاه اجتماعی است وجود داشت. عدم توجه به این نکته می‌تواند تبدیل به ابزاری برای تضييع این حق از سوی دولت‌ها شود.^{۷۲}

ب. حق بر بهداشت و سلامتی در ارتباط با حق‌های نسل اول و دوم حقوق بشر
 بهره‌مندی از حق بر سلامتی در تمام جنبه‌های زندگی، رفاه و بهزیستی بشری و تحقق بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌ها اهمیتی اساسی دارد و استاندارد برای برخورداری از حیات شرافتمندانه محسوب می‌شود. به دیگر سخن، این حق، پیوندی ناگسستنی با حقوق نسل اول و دوم حقوق بشر دارد که در زیر بدان اشاره خواهد شد.

(۱) حق بر بهداشت و سلامتی و حقوق مدنی و سیاسی شهروندان

تحقق حق بر بهداشت و سلامتی، زمینه ادعای سایر حقوق بشری را فراهم می‌کند؛ بدین توضیح که مردم برخوردار از سلامت جسمی و روانی می‌توانند حقوق مدنی و سیاسی خود را به‌عنوان نسل اول حقوق بشر استیفا کنند. از سوی دیگر، تحقق حقوق مدنی و سیاسی، خود زمینه‌ساز برخورداری افراد از حق بر سلامت خود به‌عنوان یکی از مصادیق نسل دوم حقوق بشر است.

سیاست‌هایی که در جهت تقویت نهادهای متولی بهداشت و سلامت و مشارکت مردم در اداره آن‌هاست نه تنها مستقیماً به ارتقای سلامت در جامعه منجر می‌شود، بلکه موجب ظرفیت‌سازی در جامعه به‌منظور اعمال حقوق سیاسی و مدنی توسط مردمی سالم می‌شود. ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و آموزش مهارت‌های لازم به شهروندان جهت مطرح کردن خواسته‌های مشروع می‌تواند زمینه‌ساز مطالبه سایر حقوق، از جمله حق بر بهداشت شود.^{۷۳}

از سوی دیگر باید توجه داشت، تعامل و وابستگی حق بر حیات و حق بر سلامت و بهداشت، بدیهی است. از یک طرف اگر یک بیماری منجر به مرگ، مورد توجه کافی و درمان قرار نگیرد، منجر به مرگ و در حقیقت، زیر پا گذاشتن حق حیات خواهد بود. افزون بر این، عدم مراقبت بهداشتی کافی از مادران باردار موجب تولد نوزادان کم‌توان یا مریض یا حتی سقط نوزادان خواهد شد. در حقیقت می‌توان به این نتیجه دست یافت که عدم تحقق حق بر سلامتی به‌نوبه خود، منجر به عدم تحقق حق بر کرامت جسمانی انسان است. حق آزادی بیان نیز ارتباط تنگاتنگی با تحقق حق بر بهداشت و سلامت دارد، چرا که با تحقق حق بر آزادی بیان است که در صورت کمبود

۷۲. در خصوص قابلیت دادخواهی حق بر سلامت، ن.ک: فاطمه کوکبی سقی؛ «قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌المللی بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره دهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۵.

33. Zuniga, M., & et al., *Advancing the Human Right to Health*, Oxford: Oxford University Press, 2013, p. 60.

امکانات بهداشتی در جامعه، فرد خواهد توانست بدون ترس، آن را مطالبه کند. حق بر آزادی دسترسی به اطلاعات نیز ایجاب می‌کند که فرد بدون هیچ نوع تحریف و ترسی به وضعیت جسمانی خود و همچنین وضعیت سلامتی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند واقف باشد.^{۷۴} به نظر می‌رسد مراجع بین‌المللی نیز پیوند عمیق این حق با حق حیات را تأیید کرده‌اند. به‌طور مثال، کمیسیون امریکایی حقوق بشر در برخی از پرونده‌ها، قصور در فراهم کردن امکانات بهداشتی و سلامتی برای زندانیان را نه‌تنها نقض حق بر بهداشت و سلامت به‌عنوان حقی مستقل دانسته است، بلکه آن را نقض حق بر حیات و کرامت انسانی نیز محسوب کرده است.^{۷۵} از این منظر نیز می‌توان تعهدات سلبی دولت‌ها را در زمره تعهدات امری دولت‌ها ارزیابی کرد. علاوه بر این، دیوان امریکایی حقوق بشر نیز در آرای خود، حق بر بهداشت و سلامت را پیش‌شرط تحقق کرامت انسانی دانسته است. به عقیده این دیوان، سلامت و بهداشت، مصداق منافع عمومی است که حمایت از آن، یکی از تعهدات دولت‌هاست.^{۷۶}

۲) حق بر بهداشت و سلامتی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، حق بر عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی، حقی بنیادی قلمداد می‌شود که از پیش‌شرط‌های ضروری برای تحقق حق حیات به شمار می‌رود. درعین‌حال، تحقق حق بر سلامتی نیز به نوبه خود در گرو تحقق و بهره‌مندی از دیگر حقوق بشری همچون حق بر غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، برخورداری از محیط‌زیست پاک، دسترسی به دارو و سایر مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، آموزش و مسکن است. از این‌رو این حق به‌عنوان حلقه ارتباطی نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر به حساب می‌آید. این مسئله به نوعی بیانگر یکپارچگی، ارتباط و وابستگی متقابل کلیه مصادیق حقوق بشری است، منصرف از تعلق آن‌ها به نسلی خاص.^{۷۷} در واقع، حق بر سلامتی، دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از عوامل اقتصادی و اجتماعی از جمله حق بر غذا، مسکن، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، شرایط امن محیط کاری و محیط‌زیست پاک است که شرایط لازم برای تحقق حیات سالم برای انسان‌ها را فراهم می‌کند.^{۷۸}

44. Koch, I., *Human Rights As Indivisible Rights: The Protection of Socio-economic Demands Under the European Convention on Human Rights*, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2009, p. 60.

55. See: IACHR, 2003, *Paul Lallion v. Grenada*, Case 11.765, Report No. 55/02, OEA/Ser.L/V/II.117, doc. 1 and IACHR, 2003, *Benedict Jacob v. Grenada*, Case 12.158, Report No. 56/02, OEA/Ser.L/V/II.117, doc. 1.

66. See: IACtHR, 2006, *Ximenes-Lopes v. Brazil*, ser. C, No. 149.

۷۷. جاوید، احسان؛ حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر عملکرد شرکت‌های فراملی داروساز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۱.

88. CESCR, *General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant)*, 11 August 2000, E/C.12/2000/4, para. 4.

۲-۳. حق بر مسکن در قامت حق بر حداقل رفاه اجتماعی

حق برخورداری از مسکن مناسب، جزئی از حق بر حداقل رفاه یا حق برخورداری از حداقل استانداردهای لازم برای ادامه حیات و زندگی است. در این راستا، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، بارها تأکید کرده است که حق مسکن مناسب، بخشی از حق استاندارد زندگی مناسب است و جانشین آن، شورای حقوق بشر، آن را دنبال می‌کند.^{۷۹}

حق بر مسکن به‌عنوان یکی از عناصر و اجزای حق بر حداقل رفاه از اهمیت چشمگیری جهت برخورداری از سایر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار است. اهمیت و منزلت این حق نزد سازمان ملل متحد تا بدانجا بوده است که این سازمان در بسیاری از اسناد حقوق بشری مصوب خود، به آن توجه کرده است.^{۸۰}

حق مسکن، صرفاً به معنای داشتن سرپناه نیست بلکه به‌موجب حق مزبور، افراد باید در مکانی زندگی کنند که امنیت، صلح، شرافت و کرامت آنان تأمین شود. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی تفسیرهای شماره ۸۱۴ و ۸۲۷ خود به این حق پرداخته و عناصر این حق را به قرار زیر احصا کرده است.

الف. شرایط تحقق حق بر مسکن

۱) استطاعت مالی لازم برای استیفای حق بر مسکن

استطاعت مالی: بر این اساس، هزینه تأمین مسکن نباید به‌میزانی باشد که سایر نیازهای اساسی فرد یا خانواده وی را به نحوی تحت‌الشعاع قرار دهد و فرد با تأمین هزینه مسکن، دیگر قادر به تأمین هزینه سایر نیازهای اساسی خود و خانواده‌اش نباشد.^{۸۳} استطاعت مالی،^{۸۴} مشکل حاد در

99. See, e.g., Resolutions 2002/21 and 2003/27.

100. Article 5 (e) (iii) of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (CERD), article 14 (2) of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW), article 27 (3) of the Convention on the Rights of the Child (CRC), article 2 and 28 of the Convention on the Rights of Person with Disabilities (CRPD), article 43 of the International Convention on the Protection of the rights of all Migrant Workers and Members of their Families (CMW), article 21 of the Convention relating to the Status of Refugees (CSR), article 21 (1) of the Declaration on the Rights of Indigenous People, articles 49 and 85 of the Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, article 21.1 of the Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, article 10 of the Declaration on Social Progress and Development, section III (8) of the Vancouver Declaration on Human Settlements (1976), article 8 (1) of the Declaration on the Right to Development and the ILO Recommendation No. 115 Concerning Workers' Housing (1961).

11. CESCR, *General Comment No. 4: The Right to Adequate Housing (Art. 11 (1) of the Covenant)*, 13 December 1991, E/1992/23.

22. CESCR, *General Comment No. 7: The right to adequate housing (Art.11.1): forced evictions*, 20 May 1997, E/1998/22, Available at: <http://www.refworld.org/docid/47a70799d.html>. [accessed 27 February 2017].

33. CESCR, *General Comment No. 4, op. cit.*, para. 8 (c).

44. Affordability

سراسر جهان است و یک دلیل مهم برای اینکه بسیاری از مردم، مسکن رسمی ندارند و مجبور به زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی هستند همین است. در کشورهای ثروتمند، پیدا کردن مسکن مناسب مقرون به صرفه برای افراد و خانواده‌هایی که در فقر زندگی می‌کنند، به طور فزاینده‌ای دشوار است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، زمانی که اجاره مسکن، غیرقابل پرداخت باشد، امنیت مستأجران از طرف مالک در معرض تهدید است چرا که آن‌ها اغلب از نظر قانونی می‌توانند به دلیل عدم پرداخت اجاره‌بها از سوی مستأجر، عین مستأجره را تخلیه کنند.^{۸۵}

۲) مصونیت حق سکنی در مسکن و حق مالکیت آن از برخی از اقدامات

مصونیت حق سکنی در مسکن و حق مالکیت آن از برخی از اقدامات،^{۸۶} سنگ بنای حق بر مسکن مناسب محسوب می‌شود.^{۸۷} بر این اساس، افراد در برابر اخراج خودسرانه، آزار و اذیت و سایر تهدیدات، مصون خواهند بود. منظور از مصونیت حق سکنی در مسکن و حق مالکیت آن از برخی از اقدامات این است که افراد در جایی که زندگی می‌کنند دارای امنیت حقوقی لازم برای ادامه زندگی در آن باشند و جز در موارد استثنایی و قانونی، مجبور به ترک آن نباشند.^{۸۸} اهمیت این عنصر از حق بر مسکن، زمانی ظاهر و بارزتر می‌شود که برخی از افراد ساکن مسکن که حق مالکیتی نسبت به آن ندارند، تحت شرایطی مجبور به ترک مسکن خود می‌شوند. برای مثال، در برخی جوامع، زنان با فوت همسر یا جدایی از همسر، مجبور به ترک محل سکونت خود می‌شوند^{۸۹} و حق بر مسکن این قشر، تضییع می‌شود.^{۹۰}

۳) دسترسی همگان به مسکن

مسکن باید در دسترس همه باشد؛^{۹۱} بدین معنی که دارندگان حق، امکان دسترسی به مسکن مناسب را داشته باشند تا این حق استیفا شود. اما برخی گروه‌ها مانند سالمندان، معلولان جسمی و قربانیان بلایای طبیعی، کودکان و گروه‌های دیگر باید در اولویت برخورداری از این حق قرار

۸۵. در خصوص استطاعت مالی جهت تأمین مسکن، ن.ک:

Nolan, A., *Economic and Social Rights after the Global Financial Crisis*, Cambridge University Press, 2014, pp. 57-67; Bredenoord, J. & et al., *Affordable Housing in the Urban Global South: Seeking Sustainable Solutions*, London: Routledge, 2014.

66. Security of tenure

77. CESCR, *General Comment No. 4*, op. cit., para. 8 (a).

88. David, P. Forsythe, *Encyclopedia of Human Rights*, vol. 1, Oxford, Oxford University Press, 2009, p. 434.

99. For more information on women and adequate housing see: E/CN.4/2005/43.

00. For more information see:

Gibney, M., & Skogly, S., *Universal Human Rights and Extraterritorial Obligations*, USA, University of Pennsylvania Press, 2010, p. 191.

11. Accessibility

گیرند. نیازهای خاص اقشار و گروه‌های مذکور باید در تصویب قوانین ناظر بر مسکن و اتخاذ سیاست‌های مربوطه مدنظر قرار گیرد.^{۹۲}

ب. مقتضیات کیفی مسکن به‌منظور استیفای حق بر مسکن

(۱) کیفیت مسکن از نظر قابلیت سکونت

جهت تحقق و استیفای حق بر مسکن مناسب، مسکن باید قابل سکونت و استفاده باشد.^{۹۳} به عبارت دیگر، این اطمینان باید حاصل شود که محل سکونت دارای فضای کافی و مناسب بوده و می‌تواند ساکنان را در برابر سرما، رطوبت، گرما، باران، باد یا سایر تهدیدها و خطرات محافظت کند.^{۹۴} در حقوق ایران، مهم‌ترین مقررات ناظر بر تضمین کیفیت مسکن را می‌توان در آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۱۳۷۴ یافت، چرا که اولاً، آیین‌نامه مذکور توسط یک گروه کارشناسی متشکل از نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، سازمان نظام مهندسی ساختمان، شهرداری تهران و برخی تشکل‌های مهندسی تهیه شده است و در ثانی، وضع مقررات مربوط به این حوزه و تکالیف نهادهای مختلف در این زمینه مشخص شده است.

(۲) کیفیت مسکن از نظر محل مسکن

حق بر مسکن، زمانی محقق می‌شود که «محل واقع‌شدن مسکن»^{۹۵} به نحوی باشد که افراد ساکن در مسکن بتوانند به‌راحتی به محل کار، مراکز بهداشتی و درمانی، مدارس، مهدکودک‌ها و سایر مؤلفه‌های خدمات عمومی و امکانات اجتماعی دسترسی مناسب داشته باشند. همچنین مسکن افراد نباید در مناطق آلوده واقع شود.^{۹۶} بر اساس شاخص کیفیت مسکن در محلات شهری، مسکن مناسب برای زندگی باید دسترسی مناسبی به تسهیلات و خدمات و فضاهای سبز شهری داشته و در جوار امکانات شهری باشد که دارای کاربری سازگار با سکونت است. وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی، علاوه بر اینکه جان ساکنین این مناطق را به خطر می‌اندازد، هزینه‌های بهداشتی بسیار زیادی را نیز بر نظام بهداشت و درمان تحمیل می‌کند.^{۹۷}

22. CESCR, *General Comment No. 4, op. cit.*, para. 8 (e).

33. Habitability.

44. CESCR, *General Comment No. 4, op. cit.*, para. 8 (d).

55. Location

66. CESCR, *General Comment No. 4, op. cit.*, para. 8 (f).

۹۷. ن.ک: حبیب‌الله فصیحی؛ «بررسی منابع و پیامدهای جریان فاضلاب‌های شهری و صنعتی در روستاهای بخشی از حریم جنوبی تهران»، پژوهش‌های روستایی، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۹۱۲.

۳) کیفیت مسکن از نظر محیط فرهنگی

یکی دیگر از عناصر حق بر مسکن این است که مسکن افراد، در ناحیه یا منطقه‌ای واقع شود که به لحاظ فرهنگی نیز مناسب زندگی باشد،^{۹۸} یعنی برنامه‌ها و سیاست‌های مسکن باید به‌طور کامل به ابعاد فرهنگی مسکن نیز توجه داشته باشد.^{۹۹}

۲-۴. حق بر پوشاک و تعامل آن با سایر حق‌های بشری

به نظر می‌رسد در بین آثار و اسناد حقوق بین‌المللی نمی‌توان منبعی را پیدا کرد که به‌طور مستقل و با ظرافت کامل به این حق پرداخته باشد. لیکن کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی شرح و تفسیر عمومی خود در خصوص افراد کم‌توان، به‌طور خلاصه به این موضوع پرداخته است. بر اساس نظر کمیته مزبور، دسترسی به پوشاک و لباس باید به نحو و کیفیتی باشد که مانع از عملکرد کامل و مؤثر افراد کم‌توان در جامعه نباشد.^{۱۰۰}

بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که به‌موجب حق مورد بحث، باید امکان برخورداری افراد بر پوشاک مناسب فراهم باشد. منظور از مناسب بودن پوشاک آن است که لباس باید مناسب وضعیت جوی، محل کار و به‌طور کلی، مناسب و درخور شرایط فرد باشد. به دیگر سخن، فرد نباید مجبور به استفاده از لباسی شود که موجب شرمساری و همچنین رنج‌بردن وی شود و مناسب با اوضاع جوی یا شرایط فرد نباشد.^{۱۰۱}

همان‌طور که پیش از این گفته شد، حق‌های بشری، وابسته و غیرقابل تفکیک هستند؛ بدین معنی که تحقق یکی از مصادیق حقوق بشر در گرو تحقق سایر حقوق بشری است. لیکن در اینجا از جهت روشن‌شدن هرچه بیشتر این نکته، ارتباط حق بر پوشاک با چند نمونه بارز از مصادیق حق‌های بشری مطرح می‌شود.

الف. نسبت حق بر پوشاک با حق بر سلامتی و حیات

از جمله حقوق مزبور، حق بر حیات و بهداشت است که با حق بر پوشاک، ارتباط نزدیکی دارند؛ بدین توضیح که عدم دسترسی به لباس و پوشاک مناسب در شرایط لازم می‌تواند حق بر سلامتی و در ادامه آن، حق بر حیات فرد را به خطر اندازد. برای مثال، اگر فرد در اوضاع نامناسب

88. Cultural adequacy

99. CESCR, *General Comment No. 4, op. cit.*, para. 8 (g).

100. CESCR, *General Comment No. 5: Persons with Disabilities*, 9 December 1994, E/1995/22, para. 33, Available at: <http://www.refworld.org/docid/4538838f0.html>. [accessed 28 June 2017].

۱۰۱. همچنین، ن.ک:

Hathaway, J., *The Rights of Refugees under International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005, p. 503.

جوی، چه از لحاظ سرما و چه از لحاظ گرما، به پوشش مناسب دسترسی نداشته باشد، امکان به‌خطرافتادن سلامتی فرد و در نتیجه، در خطر قرار گرفتن حیات وی، دور از ذهن نخواهد بود.^{۱۰۲}

ب. ارتباط میان حق بر پوشاک و حق بر آزادی عقیده

پوشیدن لباس یا به‌صورت دقیق‌تر، حق انتخاب لباس را می‌توان چهره دیگری از آزادی عقیده دانست، چرا که فرد با پوشیدن لباس در واقع به‌نوعی، نگرش و جهان‌بینی خود را ابراز می‌نماید. علاوه بر این، اجبارشدن به پوشیدن لباس نامناسب که مثلاً بزرگ‌تر از اندازه باشد یا نمای خوب و دلنشینی نداشته باشد یا اینکه با استانداردهای روز مطابقت نداشته باشد، موجب شرمساری و رنجش افراد خواهد بود.^{۱۰۳} این امر به‌نوبه خود، در خصوص کودکانی صادق است که در مدارس تحصیل می‌کنند، چرا که لباس نامناسب، بیشتر موجب شرمساری خود کودکان و همچنین والدین آن‌ها می‌شود.^{۱۰۴}

ج. ارتباط میان حق بر پوشاک و حق بر عدم تبعیض

لباسی که افراد برای پوشیدن انتخاب می‌کنند می‌تواند مشخص‌کننده نکات زیادی در خصوص افراد باشد که از آن جمله می‌توان به مذهب، قومیت، قبیله، ملیت، فرهنگ یا نژاد اشاره کرد. در این راستا می‌توان ادعا کرد که لباس افراد فقیر می‌تواند نشانگر فقر ایشان باشد. این امر به‌نوبه خود می‌تواند نشان‌دهنده فقر یا وضعیت اقتصادی نامناسب باشد و منجر به تبعیض شود. علاوه بر این، لباس‌هایی که از لحاظ مذهبی و فرهنگی ویژگی خاصی دارند نیز می‌توانند منجر به تبعیض و انکار فرصت‌ها و حقوق اقتصادی اجتماعی و سیاسی شوند.^{۱۰۵}

۲-۵. حق بر تأمین اجتماعی به‌عنوان جزئی از اجزای حق بر حداقل رفاه اجتماعی

الف. مفهوم حق بر تأمین اجتماعی

قبل از پرداختن به مفهوم تأمین اجتماعی به نظر می‌رسد ذکر دو نکته ضرورت داشته باشد. نخست اینکه واژه تأمین اجتماعی و واژه‌هایی از قبیل رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و مساعدت‌های اجتماعی، اغلب به‌جای هم استعمال می‌شوند. این در حالی است که هریک از واژه‌های مزبور، معنی فنی و تخصصی مخصوص به خود را دارند. دوم آنکه به‌طور کلی

222. Stephen, J., "A Forgotten Right? The Right to Clothing in International Law", <http://anzsil.anu.edu.au>. *New Zealand Society of International Law*, Retrieved July 15, 2014, p. 12.

333. CESCR, *General Comment No. 5*, op. cit., p. 13.

444. Kornbluh, F., *The Battle for Welfare Rights: Politics and Poverty in Modern America*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2007, pp. 39-41.

555. Pamela, H., *Abuses Left Detainees Mentally Ill, Study Finds*, Retrieved July 19, 2014. Available at: <http://www.theage.com.au/world/abuses-left-detainees-mentally-ill-study-finds-20080618-2suw.html> [last visited 28 July 2017].

تعاریفی که از تأمین اجتماعی می‌شود، متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و قدرت دولت‌ها در اختصاص برنامه و اولویت و هزینه‌هایی است که در این راستا انجام می‌شود و این امر به‌نوبه خود، مانع از ارائه تعریفی واحد و همه‌پسند از این مفهوم است.^{۱۰۶}

لکن می‌توان گفت تأمین اجتماعی بیانگر تأمین درآمدی است که به هنگام قطع درآمد، به عللی از قبیل بیکاری، بیماری یا حادثه جایگزین آن می‌شود و همچنین تأمین درآمد برای کسانی است که به علت پیری بازنشسته شده‌اند و نیز آن‌ها که به سبب مرگ شخص دیگری از حمایت محروم مانده‌اند و تأمین مخارج استثنایی از قبیل هزینه‌هایی که به مناسبت تولد، ازدواج یا مرگ پیش می‌آید.^{۱۰۷}

ب. حق بر تأمین اجتماعی، لازمه تأمین سایر حقوق

حق بر تأمین اجتماعی، نقش مهمی در تحقق سایر حقوق مندرج در میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی ایفا می‌کند. برای مثال، دولت‌های عضو بر اساس ماده ۶ میثاق باید خدمات اجتماعی را برای بهبود افراد کم‌توان و صدمه‌دیده در اختیار آن‌ها قرار دهند. افزون بر این، دولت‌ها طبق ماده ۱۰ سند مزبور، مکلف به مراقبت از کودکان و فراهم‌آوردن رفاه آنان، کمک و ارائه مشاوره به خانوارها و تمهید امکانات لازم برای اشخاص کم‌توان و سالخورده هستند. از دیگر تعهدات دولت‌ها در این راستا می‌توان به تعهدات دولت‌ها مبنی بر مبارزه با فقر و ارائه مساعدت‌های اجتماعی در این زمینه اشاره کرد. همچنین دولت‌ها مکلف به ایجاد امکانات بهداشت و درمان و ارائه خدمات در این زمینه هستند که بر اساس ماده ۱۲ سند مذکور بر عهده گرفته‌اند. همچنین باید توجه داشت که تحقق سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی نباید مانع از طراحی و اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی از سوی دولت‌ها باشد.^{۱۰۸}

۲-۶. حق بر حداقل رفاه در قامت قاعده آمره بین‌المللی

الف. حقوق بشر به‌عنوان ارزش معاصر اجتماع بین‌المللی

سابقه تاریخی پدیده حقوق بشر به‌رغم مطرح‌شدن آن در مباحث سیاسی و حقوقی، چندان دور

۱۰۶. ملکی، روح‌الله؛ «بررسی حق تأمین اجتماعی به‌عنوان یک حق بشری»، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۴۷.

۱۰۷. فیض‌زاده، علی و سعید مدنی؛ «بررسی مفهوم تأمین اجتماعی در ایران و جهان در چارچوب زمینه‌های اجرای نظام رفاه و تأمین اجتماعی و شاخص‌های مرتبط با آن»، تأمین اجتماعی، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۶.

888. CESCR, *General Comment No. 19: The Right to Social Security (Art. 9 of the Covenant)*, 4 February 2008, E/C.12/GC/19, para. 28, available at: <http://www.refworld.org/docid/47b17b5b39c.html> [accessed 25 June 2017].

نیست. باین‌حال، تجارب وحشتناک به‌جامانده از جنگ دوم جهانی، تأسیس و توسعه نظم بین‌المللی نوین مبتنی بر سازمان ملل متحد و اصول منشور و همچنین جریان استعمارزدایی، جنبش‌های مبتنی بر حقوق و آزادی‌های فردی در سرتاسر جهان، حقوق بشر را به‌عنوان یکی از ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی در کلیت آن مطرح کرده است.

امروز شأن و منزلت برابر انسان‌ها به‌عنوان ارزش مشترک جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و جامعه بین‌المللی در جهت نیل به این هدف گام برداشته است. گزارش‌های متعدد دال بر نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورهای جهان و حتی در کشورهای مدعی رعایت این حقوق را نمی‌توان خدشه‌ای بر این ارزش تلقی کرد. مذاقه در مباحث مطرح در رسانه‌ها و برنامه‌های سیاسی بازیگران مهم عرصه سیاست و حقوق بین‌الملل، حاکی از آن است که حقوق بشر به‌عنوان ارزشی بنیادین و غیرقابل چشم‌پوشی در نظم کنونی بین‌المللی جایگاه خود را یافته است.

مروری بر اعلامیه و برنامه عمل وین که حاصل کنفرانس جهانی حقوق بشر وین، مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ است کاشف از آن است که جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کلیت آن، نگرشی نو نسبت به مقوله حقوق بشر دارد و حقوق بشر را مقوله‌ای جهان‌شمول و به‌هم‌پیوسته می‌داند. این سند، بار دیگر بر تعهد مندرج در ماده ۵۶ منشور سازمان ملل متحد تأکید می‌کند. این مقررہ اشعار می‌دارد: «کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد، اقدامات فردی یا دسته‌جمعی معمول دارند».^{۱۰۹} گرچه این سند، ماهیت اعلامی دارد و بنابراین از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست، به‌خوبی نشانگر تمایل و جهت‌گیری دولت‌ها و اعتقاد آن‌ها به الزام‌آور بودن مقررات حقوق بشر از منظر عرف بین‌المللی است. بندهای ۴ و ۵ این اعلامیه، گواه این مدعاست. بند ۴ اعلامیه مقرر می‌دارد:

«اعتلا و حمایت از تمامی حق‌های بشری و آزادی‌های بنیادین باید با عنایت به اهداف و اصول منشور به‌عنوان اهداف دارای اولویت سازمان ملل متحد شناخته شوند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها هدف همکاری‌های بین‌المللی است. اعتلا و حمایت از تمامی حق‌های بشری در چارچوب این اهداف و اصول، دغدغه مشروع جامعه بین‌المللی است...».

ماده ۵ این اعلامیه در این راستا صراحتاً مقرر می‌دارد:

۱۰۹. ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد، امور زیر را تشویق خواهد کرد.

الف) بالابردن سطح زندگی، فراهم کردن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مسائل بین‌الملل اقتصادی - اجتماعی - بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛ و
ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد - جنس و زبان یا مذهب.

«تمامی انواع حقوق بشر، جهان‌شمول و تفکیک‌ناپذیرند و با یکدیگر وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند. جامعه بین‌المللی باید حقوق بشر را به نحوی فراگیر، عادلانه و منصفانه بر پایه‌ای برابر در نظر گیرد و برای کلیه حقوق، اهمیتی یکسان قائل شود. ضمناً، درنظرداشتن پیشینه‌های ملی، منطقه‌ای و تنوع زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی، بر عهده دولت‌هاست که صرف‌نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به تقویت و حمایت از تمام حقوق بشر و همه آزادی‌های سیاسی بپردازند».

بر این اساس شاید بتوان بر این عقیده بود که حق‌های بشری در جامعه بین‌المللی و به‌ویژه در نظام سازمان ملل متحد از جایگاهی ویژه و رفیع برخوردارند و در واقع این بندها از اعلامیه مذکور، اظهارنظر رسمی اجتماع بین‌المللی در خصوص حق‌های بشری است که به‌موجب آن، این حق‌ها از اولیاتی خاص برخوردارند. از سوی دیگر باید توجه داشت اوصاف و ویژگی‌هایی که برای قواعد و حق‌های بشری در این اعلامیه به‌کار رفته، در واقع همان ملاک‌ها و معیارهایی است که قبل از این برای قواعد آمره بین‌المللی به‌کار رفته است. به‌دیگر سخن، همان‌طور که ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق معاهدات مقرر داشته، دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی «در کل...» نقض این قواعد را مجاز نمی‌دانند. عبارات مندرج در اعلامیه وین گواه بر این مدعاست.

علاوه بر این، ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

«هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظم در عرصه اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه را، به‌تمامی تأمین و عملی سازد».

درج این ماده در این اعلامیه، گواهی بر این مدعا است که حقوق بشر را نمی‌توان صرفاً با اتکا بر سازکارهای موجود در دولت‌های حاکم اجرا کرد. نظم بین‌المللی که لزوماً دربردارنده نظم حقوقی نیز هست، بی‌تردید یکی از اجزای لازم برای برقراری نظم است که اجرای حقوق بشر را به‌طور کامل امکان‌پذیر کند.

ب. حق‌های بشری در قامت قاعده آمره

اظهارنظر در خصوص اینکه کدام‌یک از قواعد حقوق بین‌المللی تبدیل به قاعده آمره شده‌اند دشوار است، لکن صاحب‌نظران و دکترین، کمک شایانی جهت از بین بردن این دشواری کرده‌اند. از سوی دیگر باید توجه داشت مرجع رسمی احراز قواعد بین‌المللی مراجعی هستند که بنا بر رسالت خاص خود به امر ارزیابی و تطبیق قواعد حقوق بین‌المللی با امور موضوعی می‌پردازند.

با این حال باید توجه داشت قاعده آمره، مفهومی پویاست که هم‌زمان با تغییرات قواعد وضعی و ایجاد نظامی جدید در حال تغییر است و از این نظم تأثیر گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. مسلّم آنکه قواعد آمره حقوق بین‌الملل و حقوق بشر در تعامل با یکدیگرند ولی سؤال اساسی این است

که کدامیک از حق‌های بشری را می‌توان به‌عنوان قاعده آمره تلقی کرد یا به عبارت دقیق‌تر، کدامیک از حق‌های بشری به قاعده آمره تبدیل شده‌اند و کدامیک در حال تبدیل شدن به قواعدی با این ویژگی هستند.

برخی از صاحب‌نظران با بررسی و تحلیل و مذاقه در معاهدات بین‌المللی، فهرستی از حق‌های بشری ارائه داده‌اند که واجد ویژگی آمریت هستند. این قسم از صاحب‌نظران، مبنای بررسی خود را آن دسته از مقررات مندرج در معاهدات حقوق بشری قرار داده‌اند که تخطی از آن‌ها در زمان جنگ و سایر حالت‌های اضطراری امکان‌پذیر نیست.^{۱۱۰} بر این اساس، حقوقی از جمله حق حیات،^{۱۱۱} حق بر رفتار انسانی،^{۱۱۲} اصل برائت،^{۱۱۳} منع نسل‌کشی،^{۱۱۴} منع جرایم جنگی،^{۱۱۵} منع بردگی،^{۱۱۶} منع جنایت علیه بشریت،^{۱۱۷} به‌عنوان حقوقی شناسایی شده‌اند که واجد اوصاف قواعد آمره بین‌المللی هستند.^{۱۱۸}

مرور رویه مراجع حقوق بشری مؤید این مدعاست که حقوقی مانند حق بر غذا و حق بر بهداشت و سلامت، لازمه حفظ حیات انسانی است و مراجع مربوطه، آن‌ها را لازمه تحقق حق بر حیات می‌دانند. به‌طور مثال، کمیسیون امریکایی حقوق بشر در برخی از پرونده‌ها، تصور در فراهم کردن امکانات بهداشتی و سلامتی برای زندانیان را نه تنها نقض حق بر بهداشت و سلامت، که حقی مستقل بوده دانسته است، بلکه آن را نقض حق بر حیات و کرامت انسانی نیز محسوب کرده است که از آن جمله می‌توان به پرونده جان هرندز علیه گواتمالا اشاره کرد. دیوان امریکایی حقوق بشر نیز در آرای خود، حق بر بهداشت و سلامت را پیش شرط تحقق کرامت انسانی دانسته است که از آن جمله می‌توان به پرونده/یگرمس علیه برزیل اشاره کرد که در آن

۱۱۰. ن.ک: ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۷ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر.

۱۱۱. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

۱۱۲. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ماده ۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر.

۱۱۳. ماده ۱۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ماده ۹ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر.

۱۱۴. ماده ۱ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی.

۱۱۵. مواد ۱۴۶ و ۱۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو.

۱۱۶. ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ماده ۶ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر.

۱۱۷. ماده ۷ اساسنامه رم.

888. F. F. Martin, et al., *International Human Rights and Humanitarian Law: Treaties, Cases, and Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006, pp. 30-40.

دیوان در رأی خود اعلام کرد که سلامت و بهداشت، مصداق منافع عمومی است که حمایت از آن، یکی از تعهدات دولت‌هاست. به عقیده دیوان، دولت‌ها ذیل تعهد حق بر حیات افراد و کرامت انسانی، مکلف به وضع قانون و نظارت بر اجرای آن در زمینه بهداشت و سلامت هستند. این دیوان همچنین هر نوع خدشه به حق بر غذا یا آب آشامیدنی را در واقع متضمن نقض یا انکار حق بر زندگی دانسته است که از آن جمله می‌توان به پرونده *یاکای/آسای* علیه پاراگوئه اشاره کرد. از طرفی دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در آرای خود، تزییع یا انکار عناصر حق بر حداقل رفاه اجتماعی را به استناد تزییع حق بر حیات یا منع رفتار تحقیرآمیز بررسی کرده است که هر دوی این حق‌ها خود در زمره قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شوند که از آن جمله می‌توان به پرونده‌های *آنگولا/و* علیه بلارستان و *نچو/و* دیگران علیه بلارستان اشاره کرد.

همچنین با عنایت به مفاد اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و اساسنامه‌های سایر محاکم کیفری بین‌المللی به‌طور قطع می‌توان گفت که جنایت به‌فحطی‌کشاندن به‌عنوان جنایت علیه بشریت در زمان صلح و جنایت جنگی در دوران مخاصمات مسلحانه، دست‌کم در قلمرو حق بر حداقل غذا و آب است. لذا این حقوق را در شرایط خاص می‌توان داخل در بدنه سخت نظم عمومی بین‌المللی دانست و تا همین حد، آن‌ها را قاعده آمره بین‌المللی تلقی کرد. لکن در سایر سطوح به نظر نمی‌توان قائل به آمریت قواعد ناظر بر حق حداقل رفاه بود و ماهیت تعهد دولت‌ها در قالب ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از نوع تعهد به وسیله و ازجمله قواعد تکمیلی حقوق بین‌الملل است.

نتیجه

نسل‌های چهارگانه حقوق بشر پا به میدان گذاشته‌اند تا از شأن و منزلت ذاتی انسان صیانت کنند. جهت نیل به این مقصود، انسان نه‌تنها باید از حقوق مدنی و سیاسی به‌صورت مقتضی و شایسته برخوردار باشد، بلکه باید از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بهره‌مند شود تا بتواند با حفظ شأن و منزلت انسانی به حیات خود ادامه دهد. لکن انسان باید از رفاهی نسبی یا حداقل رفاه اجتماعی بهره‌مند باشد تا امکان استفاده از سایر حقوق نیز برای وی فراهم و در نتیجه، شأن انسانی او حفظ شود. بدون تضمین چنین حقوقی برای بشر نمی‌توان صحبت از حفظ شأن و منزلت انسانی به میان آورد. به زبان ساده می‌توان گفت حق بر حداقل رفاه اجتماعی مقدمه واجب است.

اسناد حقوق بشری به‌صراحت به مفهومی با عنوان دقیق «حق بر حداقل رفاه اجتماعی» نپرداخته، اما با توجه به بسیاری از اسناد بین‌المللی و همچنین آرای مراجع نظارتی و حمایتی

حقوق بشر می‌توان ادعا کرد که برخورداری از تعدادی از حقوق اقتصادی و اجتماعی لازمه حفظ کرامت انسانی تلقی شده است. در برخی از مواقع، از چنین حقی به‌عنوان «هسته حداقلی حقوق» (minimum core) یاد شده است که دربردارنده حق بر بهداشت، حق بر غذا و حق بر مسکن است و بعضی دیگر از اسناد حقوق بشری، تحقق برخی دیگر از حقوق اقتصادی و اجتماعی را لازمه زندگی با کرامت دانسته‌اند. برای مثال، ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی، برخورداری از حقوقی از قبیل حق بر خوراک، پوشاک و حق بر مسکن را تضمین‌کننده برخورداری انسان از سطح زندگی مناسب دانسته است.

در خصوص آمریت این حقوق باید گفت که تجارب وحشتناک دو جنگ جهانی، تأسیس و توسعه نظم مبتنی بر سازمان ملل متحد و اصول منشور آن سازمان، جریان استعمارزدایی و جنبش‌های مبتنی بر حقوق و آزادی‌های فردی در سرتاسر جهان باعث شده است که حقوق بشر به‌عنوان یکی از ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی در کلیت آن مطرح شود. البته پیش از این، ادیان الهی نیز از زاویه دید خود به برخی از حق‌های بشری توجه کرده‌اند. لذا کرامت انسانی به‌عنوان ارزش مشترک در جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در جهت نیل به این هدف، گام‌های مهمی برداشته است.

به نظر می‌رسد، حقوقی از جمله حق بر حیات، حق بر رفتار انسانی، منع نادیده‌گیری اصل برائت، منع نسل‌کشی، منع جرایم جنگی، منع بردگی، منع جنایت علیه بشریت و منع شکنجه به‌عنوان حقوق واجد اوصاف قواعد آمره بین‌المللی، شناخته شده‌اند.

شاید این ایراد مطرح شود که هیچ‌کدام از موارد مورد اشاره، سنخیتی با عناصر حق بر حداقل رفاه اجتماعی ندارد ولی نباید از نظر دور داشت که عناصر مادی مواردی مانند جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی و غیره، در واقع اعمالی منع شده هستند که با حقوق مورد بحث مقاله حاضر هم‌پوشانی دارند. مثلاً حق بر غذا حق بشری است و به‌گرسنگی‌کشاندن، یکی از عناصر لازم برای تحقق برخی جرایم مذکور است.

البته تعهدات دولت‌ها در قبال ایفای برخی از حق‌های بشری از جمله بسیاری از حق‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند حق بر مسکن که انجام آن تدریجی است شاید این تردید را به وجود آورد که نمی‌توان برخی از حق‌های بشری را واجد وصف قواعد آمره بین‌المللی دانست، ولی باید توجه داشت که برخی از حقوق اقتصادی و اجتماعی به‌واسطه ویژگی به‌هم‌پیوستگی حق‌های بشری و پیوند خوردن با حق‌های مهمی مانند حق حیات، اگر خود دارای وصف آمریت نشده‌اند شاید بتوان گفت به تبع سایر حق‌های بشری که به‌صورت قاعده آمره درآمده‌اند از وضعیتی خاص با عنوان «قاعده آمره تبعی» برخوردار شده‌اند. به همین علت، کوچ اجباری در هنگامه مخاصمات بین‌المللی، جنایت جنگی به هنگام صلح و با شرط گستردگی و نظام‌مندبودن، جنایت

علیه بشریت قلمداد شده است. با این نگرش می‌توان گفت که مهم‌ترین بخش‌های شاکله حق بر حداقل رفاه از جمله حق بر مسکن، غذا، آب و حق بر بهداشت و درمان، هنگامی که در قامت اوامر و نواهی کیفری بین‌المللی دیده می‌شوند، انعکاسی از قواعد آمره بین‌المللی هستند که جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل، نقض آن‌ها را بر نمی‌تابد و هرگونه توافق برخلاف آن‌ها باطل و بلااثر است و هرگونه اقدامی برخلاف آن‌ها جنایت بین‌المللی قلمداد شده و مستوجب تعقیب کیفری بین‌المللی است. با این ترتیب می‌توان گفت برخی از عناصر حق بر حداقل رفاه، داخل در شاکله نظم عمومی بین‌المللی قرار گرفته است.



منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- باری، نورمن؛ رفاه اجتماعی، ترجمه: اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، سمت، ۱۳۸۰.
- زاهدی اصل، محمد؛ مبانی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱.
- صفاری نیا، مهرزاد؛ حق بر آب آشامیدنی سالم در حقوق بین‌الملل بشر، مجد، ۱۳۹۴.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی؛ کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی تهران، شیراز، ۱۳۸۸.
- مزیدی، سیاوش؛ فرهنگ بیمه‌های اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸.
- میجلی، جیمز؛ رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه: محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۸.
- ناصری، محمدباقر و محمدکاظم رحیمی‌نژاد؛ جمعیت و امنیت اجتماعی، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی و سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۴.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شمالی؛ آنتانومی رفاه اجتماعی، جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱.

- مقاله

- ابراهیم‌گل، علیرضا؛ «حق بر غذا، پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۳۹، پاییز - زمستان ۱۳۸۷.
- ابراهیمی، مهدی؛ «نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران (با تمرکز بر مقالات علمی - پژوهشی در دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰)»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۴.
- جاوید، احسان و صابر نیاورانی؛ «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره پانزدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۳.
- حبیبی مجنده، محمد؛ «حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، دوفصلنامه حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۱، شماره ۳ پیاپی، بهار - تابستان ۱۳۸۶.
- شایگان، فریبا؛ «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹.
- شجاع، جواد؛ «تحقیق و توسعه فناوری نانو از نگاه حق بر سلامتی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز - زمستان ۱۳۸۷.

- شهرام‌نیا، سید امیرمسعود و همکاران؛ «بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی (مطالعه موردی دانشجویان، کارمندان و استادان دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۳.
- فروغی‌نیا، حسین و همکاران؛ «ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷، پاییز - زمستان ۱۳۹۳.
- فصیحی، حبیب‌الله؛ «بررسی منابع و پیامدهای جریان فاضلاب‌های شهری و صنعتی در روستاهای بخشی از حریم جنوبی تهران»، پژوهش‌های روستایی، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.
- فیض‌زاده، علی و سعید مدنی؛ «بررسی مفهوم تأمین اجتماعی در ایران و جهان در چارچوب زمینه‌های اجرای نظام رفاه و تأمین اجتماعی و شاخص‌های مرتبط با آن»، تأمین اجتماعی، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۹.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، پاییز - زمستان ۱۳۷۹.
- قاسمی، وحید؛ زهرا طاهری و مرضیه مهربانی؛ «تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۲.
- کامکار، مهدیس؛ «سیاست اجتماعی چیست؟»، نشریه رفاه اجتماعی، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، دوره سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲.
- کوکبی سقی، فاطمه؛ «قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌المللی بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره دهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۵.
- ملکی، روح‌الله؛ «بررسی حق تأمین اجتماعی به‌عنوان یک حق بشری»، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۴.
- میرعباسی، باقر و چنگیز اسفندیاری؛ «بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۴.
- _____؛ «حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی د/دگستری، دوره ۷۸، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۳.
- یزدانی، فرشید؛ «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، مجله رفاه اجتماعی، دوره سوم، شماره ۱۰، ویژه‌نامه

سیاست اجتماعی، زمستان ۱۳۸۲.

- سند

- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی.
- _____ رفع تبعیض علیه زنان.
- _____ حقوق کودک.
- _____ حقوق معلولان.
- _____ بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان.
- _____ امریکایی حقوق بشر.
- _____ حقوق بشر و زیست پزشکی شورای اروپا.
- منشور اجتماعی اروپا؛
- _____ آفریقایی حقوق و رفاه کودک.

ب. انگلیسی**- Books**

- Bevilacqua, D., *Introduction to Global Food-Safety Law and Regulation*, Netherlands: Europa Law Publishing, 2015.
- Bredenoord, J. & et al., *Affordable Housing in the Urban Global South: Seeking Sustainable Solutions*, London: Routledge, 2014.
- David Forte, F., *Natural Law and Contemporary Public Policy*, Washington D.C.: Georgetown University Press, 1998.
- David P. Forsythe, *Encyclopedia of Human Rights*, vol. 1, Oxford, Oxford University Press, 2009.
- FAO, *Methods to Monitor the Human Right to Adequate Food*, vol. 2, 2008.
- Gibney, M., & and Skogly, S., *Universal Human Rights and Extraterritorial Obligations*, USA, University of Pennsylvania Press, 2010.
- Hathaway, J., *The Rights of Refugees under International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
- Haughton, J., & Khandker, S., *Handbook on Poverty & Inequality*, Washington DC: World Bank, 2009.

- Hospes, H. and Hadiprayitno, I., *Governing Food Security: Law, Politics and the Right to Food*, Netherland: Wageningen Academic Publishers, 2010.
- Joseph E., Stiglitz, *Report of the Commission of Experts of the President of the United Nations General Assembly on Reforms of the International Monetary and Financial System*, 2009.
- Kent, G., *Global Obligations for the Right to Food*, USA: Rowman & Littlefield Publishers, 2008.
- Koch, I., *Human Rights as Indivisible Rights: The Protection of Socio-economic Demands under the European Convention on Human Rights*, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
- Kornbluh, F., *The Battle for Welfare Rights: Politics and Poverty in Modern America*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2007.
- Mukherjee, A., *Hunger: Theory, Perspectives and Reality: Analysis through Participatory Methods*, vol. 3, UK, Ashgate, 2002.
- Nolan, A., *Economic and Social Rights after the Global Financial Crisis*, Cambridge Cambridge University Press, 2014.
- Pierre R., Weston, *Human Rights in the World Community: Issues and Action*, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, 2006.
- Wenche, B., *Food and Human Rights in Development: Legal and Institutional Dimensions and Selected Topics*, UK: Hart Publishing, vol. 1, 2005.
- Zuniga, M., & et al., *Advancing the Human Right to Health*, Oxford: Oxford University Press, 2013.

- Article

- Söllner, Sven, "The "Breakthrough" of the Right to Food: The Meaning of General Comment No. 12 and the Voluntary Guidelines for the Interpretation of the Human Right to Food", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, vol. 11, Netherland: Koninklijk, 2007.

- Documents

- CESCR, *General Comment No. 12: The Right to Adequate Food* (Art. 11 of the Covenant), 12 May 1999.
- CESCR, *General Comment No. 4: The Right to Adequate Housing* (Art. 11 (1) of the Covenant), 13 December 1991.
- CESCR, *General Comment No. 7: The Right to Adequate Housing* (Art.11.1): *Forced Evictions*, 20 May 1997.
- CESCR, *General Comment No. 15: The Right to Water* (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003.
- CESCR, *General Comment No. 19: The Right to Social Security* (Art. 9 of the Covenant), 4 February 2008.

- *CESCR, General Comment No. 12: The Right to Adequate Food (Art. 11 of the Covenant)*, 12 May 1999.

